



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۵۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت www.m-hekmat.com

جمعه ۱۲ خرداد ۱۳۹۱، ۱ ژوئن ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

پیام به مردم سوریه از طرف اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران

ادامه صفحه ۱۴

گزارش یک سفر

یک شهر در ایتالیا، قبل و
بعد از صدای زانپار
شاهین نجفی و دفاع مردم
ایتالیا از یک هنرمند

روز پنج شنبه ۲۴ ماه مه،
هوایمای ما در فرودگاه تره وزیو
نزدیک ونیز بر زمین می نشیند. این
سفر برای شرکت در برنامه ای است

ادامه صفحه ۱۱



مصر بر سر سه راهی

ادامه صفحه ۱۰

کاظم نیکخواه

در میانه راه یک مبارزه مهم

ادامه صفحه ۳

اصغر کریمی

توهّمات ملوکانه اپوزیسیون راست!

برانداز و "انحلال طلب" شده اند،
از اصلاح طلبان فاصله میگیرند
- گرچه مثل علف هرز از هر
نشست و کنفرانسشان خط اصلاح
طلبی بیرون میزند - میخواهند
سوءتفاهمات بین سلطنت طلبان و
جمهوریخواهان را برطرف کنند و
از ائتلاف و وحدت کل اپوزیسیون
بر سر اصول و خواستهایی که به
نظرشان طبیعی و خدشه ناپذیر
میرسد دم میزنند.

این تکاپوها قبل از هر چیز نتیجه
انقلابات در منطقه است. موج
تحولاتی که از خیزش انقلابی
سال ۸۸ در ایران تا انقلاب مصر
و تونس و لیبی و تا انقلاب جاری
در سوریه افق و چشم انداز امید
بخشی در برابری نیروهای چپ و

ادامه صفحه ۷



حمید تقوایی

مدتی است میان نیروهای
اپوزیسیون راست گفتمان آلترناتیو
و آلترناتیوسازی داغ شده است.
سلطنت طلبان، از جمله خود رضا
پهلوی، جمهوریخواهان رنگارنگ،
ملی - اسلامیین و "اصلاح طلبان"
از رژیم رانده شده، سکولارهای
سبز، نیروهای ناسیونالیست
قومی و غیره سمینار و کنفرانس
و میزگرد میگذارند تا بخیال
خودشان "آلترناتیو" ارائه کنند.

صفحات دیگر

چند خبر از کارگران
زندانی و احضار
فعالین کارگری

دو الگوی جانب از
اعتراضات کارگری
شهلا دانشفر

جنگ حجاب و باخت
جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر

به یاد زن آزاده و
کمونیست،
آذر درخشان

مینا احدی

بازتاب هفته

این زن ضد دین
بهروز مهربادی

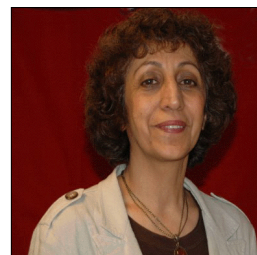
واتیلیکس
رسوایی دیگری در واتیکان
شهاب بهرامی
صفحات ۶-۴

مردم یونان نمی خواهند بپردازند
بهروز مهربادی

استرداد ژولیان آسانژ
شهاب بهرامی
خشونت کلامی
یاشار سهندی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ حجاب و باخت جمهوری اسلامی



شلا دانشفر

این معضل مهم حکومت میگوید: "پلیس پایتخت از چند هفته گذشته تا کنون طرح‌های تشدید برخورد با بدحجابی و بدپوششی در میادین و مراکز خرید، رانندگان و سرنشینان بدحجاب در بزرگراه‌ها و معابر درونشهری، سگ گردانی و ایجاد آلودگی صوتی را به مرحله اجرا گذاشته است که اجرای آن‌ها همچنان ادامه دارد."

از سوی دیگر بر اساس اعلام فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی روزهای آتی نیز مراحل دیگری از طرح تشدید برخورد با بدحجابی در تهران به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. رادان، جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی هم قبل تر از آن گفته بود که پلیس با موضوع بدپوششی برخورد می‌کند و "لباس تنگ و چسبان، روسری که از دو سوی آن موی سر مشخص باشد، مانتوی بالای زانو و شلوار تنگ" را نیز از مصادیق بدپوششی اعلام کرده بود. اما هر کجا نگاه میکنی در کوچه و در خیابان، در محیط کار و در تفریحگاهها و پارک‌ها، در هنگام رانندگی و در همه جا پر از "مصادیق بدحجابی" است. بارها و بارها نیز اعلام کرده اند که بدحجابی جرمی قضایی است و مجازات دارد. از جمله بدحجابان به جرم نقض این قانون ده روز تا دو ماه زندانی شده و یا باید از ۵

اخبار بلندگوهای رژیم از آغاز طرح تشدید برخورد با بدحجابی در پارکها و اماکن تفریحی تهران، از روز ۵ خرداد خبر میدهد. بنا بر این اخبار اوباشان جمهوری اسلامی در تهران در ادامه اجرای آنچه آنرا "طرح امنیت محله محور" و "امنیت اجتماعی" و امثال اینها مینامند، دوباره در اماکن پخش شده و به گفته خودشان مشغول پیگرد بدحجابانند. پارکها یکی بعد از دیگری، پارک بوستان ملت، پارک طالقانی، پارک آب و آتش و غیره و غیره همه را در نورددیده اند. ظاهرا چند هفته ایست که تمرکزشان را روی این موضوع بیشتر کرده اند، چون به گفته خودشان آغاز تابستان و گرماست و از این نگرانند که کنترل اوضاع از دستشان خارج شود. نیروهایشان را در میادین و مراکز خرید مستقر کرده و رانندگان و سرنشینان ماشین ها را مورد تفتیش قرار میدهند.

اما با وجود همه این تلاش ها کارشان هر روز شاق تر شده، حجاب ها هم هر روز بیشتر به کنار رفته و عملا خبری از آن نیست. جمهوری اسلامی هم بدون حجاب تکلیفش روشن است و هوا برایشان خیلی پس است. از همین رو تمام نیرویشان را برای نجات نظام و اسلام بسیج کرده اند. ساجدی نیا فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، از گسترش اجرای طرح هایشان در رابطه با

ریشه کن می شود". دو سال از این اظهار نظر و سی و سه سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی گذشته است و بدحجابی هنوز ریشه کن نشده است!".

این عبارت و کل گزارش فرارو و حملات کاربرانش خطاب به پلیس اسلامی بر سر مساله حجاب به روشنی اعترافی بر شکست جمهوری اسلامی در جنگ با مردم بر سر این موضوع است. چون معضل این جنابان امروز فقط بر سر بدحجابی نیست، بلکه بحث بر سر حجاب برگیران است. بطور واقعی سیاست تحمیل حجاب مثل خیلی از سیاستهای دیگر به شکست رسیده است. گزارش فرارو بیانگر حقیقت آشکاری است که در کوچه و خیابان و در جنگ هر روزه مردم با رژیم آپارتاید جنسی با آن، روبرو هستیم. تمام سطور گزارش فرارو و اظهارات کاربرانش حکایت از نفرت عمیقی است که مردم از سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی اش دارند.

اما نکته ای که لازمست در آخر بر آن تاکید کنم، اهمیت و جایگاه مساله جنگ بر سر حجاب و سراسیمگی جمهوری اسلامی در برخورد به این موضوع در متن اوضاع سیاسی امروز جامعه است. واقعیت اینست که امروز جنبشی عمیق و همه جانبه علیه جمهوری اسلامی و مبانی پایه ای و هویتی آن از جمله علیه حجاب و آپارتاید

جامعه ایران جایی ندارد و مورد انزجار تک تک مردم ایران است و سی سال است که با این جانوران عهد عتیقی با تمام وجود جنگیده اند. علیرغم وحشی گری حاکمین منفور و فشارها و زندان و شلاق، زنان و همه مردم در مقابل این جانوران مفت خور متحجر ایستاده اند و کوتاه نیامده اند و نخواهند آمد. اینکه رژیم بازم خود را نیازمند به این لشکرکشی می بیند و عوامل آن اعتراف میکنند که خیابانها و دانشگاهها و کوچه و شهر پرست از "بی حجابان"، به این معناست که آشکارا اعتراف میکند که در این جنگ بازنده است. این موضوعی است که در هر نماز جمعه و در هر منبر و در هر نشست مجلس و در هر گردهمایی فرماندهان ارشدشان چون رادان و احمدی مقدم و غیره مورد بحث حاکمین است. همگی دارند از وخامت اوضاع می نالند. میگویند قرار بود ۲۶ نهاد دولتی درگیر اجرای طرح حجاب و عفاف باشند، اما بیچاره پلیس و سردار رادان نشان تنها مانده است. ظاهرا احمدی نژاد هم خود را به بیخیالی زده و فعلا قاچ زین را چسبیده است. خلاصه اینکه اعتراف به این شکست و جنگ و جدال درون حکومت بر سر این موضوع يك محور مهم بحث در رسانه های خود دولت است.

در همین رابطه سایت "فرارو" یکی از سایتهای وابسته به جناحهای حکومتی در گزارشی در تاریخ ۳۱ اردیبهشت در مورد نظرات کاربران این سایت به روشنی اعتراف به این شکست داشته و مینویسد: "دو سال پیش سردار رادان جانشین فرماندهی نیروی انتظامی کشور در اظهار نظری اعلام کرد "اگر همه به وظایف خود عمل کنند دوساله بدحجابی

جنسی، علیه قوانین ارتجاعی اسلامی و علیه مذهب و حاکمیتش، بطور قدرتمند به جلو میرود. در صف جلوی این جنبش جوانان و زنان قرار دارند. مساله حجاب و حجاب برگیران را باید در متن چنین جدالی دید. جنبشی هر روزه که در کوچه و خیابان با رژیم اسلامی در جنگ است و برپا شدن این بساط جهنمی را مسبب آشکار فقر و فلاکتی میدانند که بر جامعه حاکم شده است. جنبشی که با جنگ هر روزه اش در کوچه و خیابان کل حاکمیت رژیم اسلامی را به چالش کشیده است. جنبشی که بروزات قدرتمند و آشکارش را در جنبش برهنگی و برهنه شدن گلشیفته فراهانی و شکستن تابوها و ترانه "آی نقی" شاهین نجفی و براه افتادن کمپینی جهانی در اعتراض به حکم فتوا علیه او، دیدیم. جنبشی که چهره هایی جهانی چون مینا احدی و مریم نمازی را دارد که گزارش کارهایشان به موضوع بحث سایت های حکومتی تبدیل شده است. این جنبشی است چپ، رادیکال، انسانی که کل حاکمیت جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای داشتن جامعه ای شاد و انسانی است. باید در متن چنین اوضاعی به مساله جنگ بر سر حجاب نگاه کنیم و وحشت جمهوری اسلامی از کنار رفتن هر روزه حجابها را ببینیم.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با:

یایک یزدی (کانادا - آمریکا) : تلفن: ۰۰۱-۴۱۶-۷۵۸-۳۳۹۶
 ۰۰۱-۴۱۶-۷۱۳-۷۱۳۸
 ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن: ۰۰۱-۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶
 ایمیل: zariasi@yahoo.ca

در اروپا با:

انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۶-۷۲۳۹۳۹۱۷۰
 ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴-۷۹۵۰۹۲۴۴۴۴
 ایمیل: jallilik@yahoo.com

مهن کونا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۱۷۲۲۵۷۰۵۹
 ایمیل: mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

تلفظ فارسی: کاپیتال

مجله اول

ترجمه جمشید هادیان

در میانه راه یک مبارزه مهم

در حاشیه آکسیون های ۲۶ مه



اصغر کریمی

از صفحه ۱

روز ۲۶ مه در تقریباً ۲۰ شهر آکسیون هائی علیه فتوای قتل شاهین نجفی و در دفاع از آزادی بیان و نقد و هجو مذهب سازمان داده شد. ابتکارات بسیار جالب سازماندهان این آکسیون ها و جوانان شرکت کننده در آنها و سخنرانی های پرشور سخنرانان توجه زیادی را به خود جلب کرد، اما نکته محوری و مهمی که وجه مشترک همه این آکسیون ها بود تعرض آشکار و خیابانی به مذهب بود. مستقیماً علیه مقدسات مذهبی و آخوند و فتوا و امام و همه مزخرفاتی بود که ایدئولوژی جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی بر آن سوار است. و دقیقاً نکته اینجا است که حمله مستقیم و

رادیکال به مذهب به عنوان ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی یک شرط مهم آزادیخواهی و رهائی از شر این حکومت و خرافات و کثافتاتی است که به سر و روی جامعه پاشیده است. همانطور که باید به فاشیسم و نژادپرستی در آلمان و آفریقای جنوبی تعرض میشد باید به اسلام هم تعرض شود. کاریکاتور و طنز و شعرهای فکاهی و فیلم و کلیپ های انتقادی و هزار کار دیگر بخشی ضروری و اجتناب ناپذیر از مبارزه ای است که علیه ایدئولوژی های حاکم و برای بزیر کشیدن آنها ساخته میشود. امام و قرآن و هزار مزخرف دیگر پرچمی است در دست جمهوری اسلامی که به آن مجوز جنایت میدهد. و شما نمیتوانید از کنار آن بگذرید باید آبروی آنرا ببرید و این اتفاقی است که دارد می افتد.

اولین بار بود که در خارج کشور آکسیون ها مستقیماً حمله به این ایدئولوژی و تقدساتش بود و اهمیت زیادی در پس زدن نه فقط این ایدئولوژی و جمهوری اسلامی بلکه در عقب راندن جنبش ملی اسلامی و کل طیف راست و چپی

داشت که در مقابل این تقدسات لکنت زبان میگردد. اما لازم است تاکید کنم که این شروع یک مبارزه نبود. نوک کوه بسیار عظیم جنبشی بود که سال ها است جمهوری اسلامی را در محاصره ای عمیق قرار داده است. محاصره ای که از آن جان سالم به در نخواهد برد.

یکی از مهمترین پایه های این ایدئولوژی حجاب است که جمهوری اسلامی در جنگ با زنان

مربوط به هشتاد تا نود درصد نسل جوان است. آماری که بعضاً مقامات رژیم به آن اذعان میکنند. فرهنگی که در سال های گذشته از حالت زیرزمینی خارج



شده و به روی زمین آمده است. از نظر فرهنگی این یعنی پایان دخالت مذهب در یکی از مهمترین بخش های زندگی جامعه. عرصه ای که با هیچ قیمتی قابل برگشت نیست.

تکلیف نماز و روزه و سایر مزخرفات مذهبی هم روشن است. چندی قبل نماینده نهاد خامنه ای در دانشگاه الزهرا اقرار کرد که "علیرغم حجم زیاد مبلغین خانم (منظورش همان خواهر زینب ها است) در جامعه تعصبات دینی خانم ها در سطحی بوده که دختران جامعه را به سمت دین زدگی سوق داده اند، چرا که دید جوان امروزی

و نسل جوان بر سر آن به سختی شکست خورده است. اینرا ما کمونیست ها و بیخدایان و مخالفین مذهب نمیگوئیم اینرا مقامات رژیم هرروز اعتراف میکنند. قیافه ایران بعد از جمهوری اسلامی و یا حتی در روزهای اوجگیری انقلاب برای سرنگونی را از همین الان میتوان بخوبی مشاهده کرد. مهم نیست که هنوز درصدی از جامعه به حجاب پایبند است. همیشه یک قشر پیشرو سرنوشت جامعه را تعیین کرده است و این یک قشر در ایران امروز چندین میلیونی است. فرهنگ حاکم بر فضای جوانان و پدیده داشتن دوست پسر و دختر



با یک بانوی مبلغ متفاوت است و به راحتی مسایل را نمی پذیرد. اگر در بحث پوشش حجاب با دختران از دید تعصب و مذهب سخن بگوئیم که باید حجاب داشته باشید، نمی پذیرند. باید از دید روانشناسی با آنها صحبت کرد! و یکسال قبل معاون اطلاعات سپاه فجر استان فارس اعتراف کرد که "تهران در زمینه استفاده از سایت های غیر اخلاقی مقام اول را در میان ۱۸۲ کشور جهان دارد". یکی از استادان حوزه علمیه نیز گفت که "موبایل و اینترنت یک محیط اجتماعی غیرقابل کنترل است و کاری می کند که مذهب و فرهنگ جوانان و نوجوانان ما از آنها روده شود که خانواده ها باید در این زمینه هوشیار باشند". همین فرد گفته بود که نسل دوم ستون فقرات اسلامی ها ضعیف ترین حلقه بوده است بعبارتی نسل دوم حامیان اصلی حکومت و آخوندها و خرمذهبی ها هم از دین برگشته است. دیگر مقامات و امام جمعه ها نیز از تاثیرات مخرب ماهواره ها که دین و ایمان مردم را میگیرد صحبت میکنند و علیرغم اینکه صرف پول و نیرو و زندان و شلاق و جریمه در همه این عرصه ها بطور فاحشی شکست خورده اند. این یک جنبش

ادامه صفحه ۹



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

مردم یونان نمی خواهند بپردازند



بهروز مهرآبادی

"یونانیان در برابر لاگارد" درست شد و هزاران نفر اعتراض و مخالفت خود را با رئیس صندوق بین المللی پول اعلام کردند. حتی احزاب یونانی هم ناچار به اعتراض شدند و تحت فشار اعتراضات صندوق بین المللی پول در صفحه فیس بوک خود نوشت که رئیس این صندوق، با مردم یونان و مشکلاتی که با آن روبرو هستند، همدردی می کند و به همین دلیل است که صندوق بین المللی پول به یونان کمک می کند که از این بحران عبور کند...

روز ۱۱ خرداد هزاران نفر از آتش نشانان یونان در شهر آتن دست به تظاهرات زدند. بنا به گزارش های منتشر شده تعدادی از این آتش نشانان یک سال است حقوق دریافت نکرده اند و دولت از تمدید قرارداد های کاری آنها خودداری کرده است. قرارداد های این آتش نشانان ۶ ماهه و فصلی است. آنها نیمی از سال را کار می کنند و نیم دیگر سال را باید بیکار باشند و زندگی خود را با مبلغ ناچیز بیمه بیکاری بگذرانند. عدم تمدید قرارداد ها باعث می شود که آنها حتی از دریافت بیمه بیکاری هم محروم شوند.

انتخابات مجدد پارلمانی یونان قرار است روز ۲۸ خرداد برگزار شود. بن بست سیاسی مانع از تشکیل یک دولت پس از انتخابات پارلمانی در ماه قبل شد. مردم یونان با اعتراضات خود نشان داده اند که خواهان تغییری بنیادی در نظام سیاسی و اقتصادی این کشور هستند. اما در غیاب حزب و نیروی سیاسی که خواست اساسی و بنیادی مردم را رهبری کند، بعید بنظر می رسد که تجدید انتخابات راهی برای خروج از این بن بست نشان دهد.*

استرداد جولیان آسانژ



شهاب بهرامی

شد و اگر به سوئد فرستاده شود خطر حکم چند سال زندان تهدیدی واقعی برایش خواهد بود.

در آگوست سال دوهزار و ده، دو روز بعد از اقامتش در یکی از هتل های استکهلم، شکایتی مبنی بر تجاوز و آزار جنسی از طرف دو دختر جوان بدست پلیس استکهلم رسید و سوت این ماراتون سیاسی-قضائی زده شد. وقوع این حادثه شش ماه بعد از افشای یکی از ویدئوهای محرمانه ارتش آمریکا بنام "کولاترال ماردر" بوسیله "ویکی لیکس" بود. در این ویدئو صحنه های دلخراش کشتار مردم بی دفاع عراق دیده می شود که بوسیله کپترهای آپاچی به رگبار بسته شده و چندین زن و مرد منجمد دو کودک خردسال کشته می شوند. از آن پس گردانندگان ویکی لیکس دست به انتشار میلیون ها سند شرکت "استراتفور" که با ارتش و سازمان های اطلاعاتی آمریکا همکاری می کرد، زد.

"جولیان آسانژ" مؤسس سایت جنرال برانگیز "ویکی لیکس" و فعال اجتماعی، مبارزه ای حقوقی برای جلوگیری از استرداد خود به سوئد را باخت. روز چهارشنبه دیوان عالی بریتانیا در لندن، درخواست فرجام وی را رد کرد. به تشخیص این نهاد، حکم جلب آسانژ به اتهام تعرض جنسی در کشور سوئد قانونی است و او می تواند به این کشور تحویل داده شود. به رغم حکم دادگاه، وکلای مدافع وی موفق شدند برای مفتوح نگه داشتن این پرونده، فرصتی دو هفته ای بدست آورند، تا انقضای این مهلت، حکم دادگاه نمی تواند اجرایی شود و این در تاریخ دیوان عالی بریتانیا پدیده تازه ایست.

آسانژ اتهامات وارده به خود را قویا رد می کند و آن را سیاسی می داند. وی احتمال اینکه دولت سوئد ایشان را به دولت آمریکا تحویل دهد ممکن می داند و از پاپوش دوزی دولت و دستگاه قضائی سوئد و هماهنگی این کشور با آمریکا بیم داشته و آنرا محکوم کرده است. ستارگانی از "هالیوود" چون "مایکل مور" و "جان پیلگر" هم در این مورد هم نظری خود را با آسانژ اعلام داشته و سیستم قضائی سوئد را به ریشخند گرفته اند. اگر آسانژ به آمریکا تحویل داده شود به سرنوشتی چون سرنوشت "برادلی مانیینگ" که اسناد محرمانه جنایات ارتش آمریکا در خاک عراق و افغانستان را در اختیار ویکی لیکس گذاشت، دچار خواهد

هیستری سیاستمداران و مقامات بلند پایه آمریکائی اوج گرفت، "مایک هاگابی" جمهوریخواه تندرو اعلام کرد که جولیان آسانژ باید به سرنوشت سرباز "برادلی" دچار شود، کاندیدای سابق رئیس جمهوری "سارا پالین" گفت که همانند طالبان با وی رفتار شود و بالاخره مفسر اولترا راست "فوکس نیوز" بیلی اورلی، با حرارتی وصف ناپذیر خواستار اعدام آسانژ گردید.

طرفداران آقای آسانژ محاکمه احتمالی وی را محاکمه آزادی بیان و سانسور سیاسی اینترنت دانسته و آزادی وی را آزادی اینترنت از دست دولتها و حاکمین بشمار می آورند. آسانژ کمتر از دو هفته وقت دارد مدارکی جدید به دیوان عالی بریتانیا ارائه دهد که به لغو اخراجش به سوئد بیانجامد. با تاسیس "ویکی لیکس" آسانژ، آغازگر انقلابی شد که تا همینجا زخمهای عمیقی بر پیکر سیستم پلیسی جامعه در چهار گوشه جهان از خود بجای گذاشته است. فریاد فوکس نیوز گویا تر از هر شاهی بر این مدعاست.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

بازتاب هفته

خشونت کلامی با لبخند و رنگ و نور

یاشار سهندی

ماده ای "کوفی عنان نماینده سازمان ملل میشوند. با پخش يك فيلم كه هلی کوپتری جنگی بر فضای شهر میچرخد و شهر را گلوله باران میکند، در متن خبر میگویند "این ادعای مخالفان است که اینها نیروهای دولتی بشار اسد هستند!". دولتهای غربی تحت فشار افکار عمومی مردم مجبور میشوند که به ظاهر هم شده دولت سوریه را محکوم کرده و "سفرای و دیپلماتهای ارشد" را اخراج کنند، اما این رسانه های "بیطرف" هنوز مشکوک هستند که اصل خبر صحت دارد یا خیر. در پایان همین هفته دوباره خبری منتشر شد که حاکی از آن بود که ۱۳ نفر دیگر در غرب سوریه در همان روز جمعه و به همان شیوه کشته شدند. این را نه کشتار از سوی دولت بلکه آنرا "نشانه دیگری از خشونت" در سوریه اعلام می کنند که هر دو طرف به آن دست میزنند و از زبان متخصص شان در "مسایل دنیای عرب" میگیرند "معلوم نیست که طرف مخالف چقدر در این کشتار ها دست دارد!"

بی بی سی فارسی در نوع خودش شاهکاری است! این رسانه در بررسی جنایت در حوله، هشدار میدهد که اکثریت خاموش (!) ممکن است یا به میدان بگذارند اما باید توجه کنند که دولت بشار اسد هم ابزارش کشتار است و خیال کوتاه آمدن هم ندارد. اما چرا يك رسانه مدعی بیطرفی چنین ادعایی میکند؟ بر اساس کدام مدرک و سند مدعی است که اکثریت، خاموش هستند؟ این "منابع مستقل" چه کسانی هستند که با یقین وجود "اکثریت خاموش" را تایید میکنند، اما مشکوک هستند که کشتار در

جنایتکاران در شهر حوله سوریه يك "جمعه سیاه" دیگر آفریدند. جمعه ای که به قول يك ترانه خوان از ابرها "خون جای بارون چکید". در روایت اهل شیعه قرار است امام موعود در يك روز جمعه ظهور کند و مقرر است که او نیز چنان کشتاری از اهالی زمین راه بیندازد که تا رکاب اسبش خون همه جا را بگیرد. در جمعه هفته قبل بیش از ۱۰۰ نفر و در طول يك سال نزدیک ۱۳ هزار نفر در در سوریه کشته شدند چرا که منافع عده ای اقتضا میکنند بشار اسد همچنان سرکار بماند. هنوز گویا کشتار به آن حد نرسیده که جنایات بشار اسد "جنایت علیه بشریت" محسوب شود. چنانکه نزدیک به ده سال طول کشید تا بعضی قانع شوند که چارلز تیلور حاکم سابق لیبریا جنایتکار علیه بشریت است و در يك دادگاه بین المللی به محاکمه کشیده شود.

با وجود عکسها و فیلمهایی که جنایت در حوله را تایید میکنند و تایید شده است نصف قربانیان کودک بودند، که برخی از این کودکان سرشان بریده شده و این خبر هولناک دنیا را تکان داد، رسانه های فارسی زبان دولتی دنیای سرمایه داری، که مدعی بی طرفی هستند، در "صحت خبر" شک میکنند چرا که به گفته ایشان "رسانه های مستقل" در محل حضور ندارند که ایشان به صحت و سقم خبر مطمئن شوند و این شبهه را ایجاد میکنند که نکنند "کار مخالفین" باشد! حتی وقتی که سازمان ملل هم که مورد تایید ایشان میباشد بر وقوع جنایت تاکید میکنند، ایشان از "خشونتهای دو طرف" میگویند و نگران به خطر افتادن "طرح صلح شش

این زن ضد دین!

بهروز مهرآبادی

اعتراض مدرن علیه اسلام و علیه حجاب اجباری است بخصوص چون مسلمانان می خواهند زن کاملاً محو شود نه صدایش شنیده شود، نه بدنش معلوم باشد، نه هویتش و نه شخصیتش، همه را میخواهند نابود کنند.

وی در ادامه این عمل قبیحانه و سیاه نمایی های خود علیه اسلام در مصاحبه ای دیگر با رادیو اسرائیل اذعان می کند: برهنگی علیه حجاب اجباری در اسلام، در این دوره میتواند يك عمل انقلابی

سکولاریست سال در اکتبر ۲۰۰۵ از انجمن ملی سکولار انگلستان. "نیک کوهن مقاله ای به نام "نبرد يك زن" را در مورد او در نشریه آیزورر انگلستان نوشت و درباره او گفت: "مریم نمازی تجسم فاصله میان لیبرال های شرمنده و خواستاران حقیقی برابری است".

درباره فعالیتهای مریم نمازی می خوانیم: ... نمازی، پس از ماجرای

سایت صراط نیز به معرفی مریم نمازی پرداخته است. اگر از فحاشی ها و نفهمی ها و کج فهمی های نویسنده این سایت بگذریم، می توان گفت این معرفی تا حدود زیادی واقعی است. برای کسانی که در ایران برایشان امکان پذیر نیست از عهده قیمت های سرسام آور خدمات اینترنتی برآیند یا از سد فیلتر های اینترنتی جمهوری اسلامی بگذرند، و برای کسانی که آتن گیرنده امواج ماهواره ای آنها توسط تکانور های اسلام برای چندمین بار در هم شکسته شده و پس اندازشان هنوز تکافوی خرید يك آنتن جدید را نمی دهد، این معرفی نامه "صراط" می تواند مریم نمازی را بشناساند. تا آن حد که از فعالیت های او خوشحال و دلگرم شوند و برایش آرزوی موفقیت کنند. همین که مریم نمازی کاری کرده است که نشریات حکومتی ناچارند سکوت را بشکنند و هر از چندگاه تلاش کنند اثرات "مخرب" کارهای او را خنثی کنند و خود را به مخمصه بیندازند، تاثیر فعالیتهای او را بخوبی بازتاب میدهد. سایت صراط نیز که خود را رهرو روحانیت

اصیل تشیع و یادآور راه امام معرفی می کند در معرفی مریم نمازی می نویسد: در میان نام های مختلفی که به عناد و دشمنی با اسلام و جمهوری اسلامی روی آورده اند نام مریم نمازی به گونه ای دیگر به چشم می خورد. به گزارش سرویس سیاسی صراط، مریم نمازی فعال سیاسی کمونیست و ساکن انگلستان، در عرصه هایی همچون مبارزه برای حقوق زنان، مبارزه برای حقوق پناهندگان، مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت های گسترده ای را در غرب برنامه ریزی و اداره می کند. ... "مستول و مجری برنامه انگلیسی انترناسیونال و برنده جایزه



و رادیکال باشد. حتی برای کسانی که در غرب زندگی میکنند میگویند همیشه بدن زن مثل يك کالا و يك وسیله استفاده می شود برای فروش مجلات و غیره و چقدر خوب و قدرتمند است که عکس های برهنه زن را میتوان دید که نه بعنوان کالا بلکه بدنشان را که وسیله سرکوب استفاده شده بعنوان يك وسیله آزادیخواهانه و برای دفاع از زنان استفاده شود. نکته دیگر اینکه در مطبوعات غرب همیشه يك تیپ زن برای فروش مجلات و غیره وجود دارد ولی در این تقویم زنان خیلی متفاوتی هستند

کاریکاتورهای توهین آمیز به پیامبر مکرم اسلامی (ص) که توسط يك جوان دانمارکی صورت گرفت، به همراه یازده نفر دیگر از جمله سلمان رشدی، تسلیمه نسرين و آیان هیرسی بیانیه ای به نام "علیه توتالیتیرسم نوین" را انتشار داد که در آن نسبت به ظهور اسلام به عنوان يك "توتالیتیرسم نوین" هشدار داده بودند. نمازی در مصاحبه ای جنجالی با شبکه وابسته به سازمان سیا ضمن تبیین ایده تقویم زنان می گوید: ایده تقویم این بود که فریادمان علیه اسلام و علیه سیاست ها و برنامه های ضد زن آنها را به گوش جهان برسانیم. برهنگی نوعی

بازتاب هفته

واتیلیکس رسوایی دیگری در واتیکان

شهاب بهرامی

صدها نمونه دیگر، به وجهه واتیکان ضربات مهلکی وارد کرد اما توانستند دوباره بر اوضاع مسلط شوند. امروز به یمن نشت اسناد محرمانه ای که بدست مردم افتاده، حلقه محاصره این جماعت سخت تنگتر گردیده است.

روز شنبه گذشته با تائید خبر دستگیری پیشخدمت مخصوص پاپ، رسوایی نشت این خبر وارد مرحله جدیدی شد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت: "حالا همه چیز شبیه فیلم های هالیوودی شده است". بازداشت پائولو گابریله از معدود

ظواهر سیر مداوم اقتضاحات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی در واتیکان میل فروکش ندارد و "مردان خدا" هر روز دچار مخصص تازه ای می شوند. هفته گذشته پس از دستگیری آقای "پائولو گابریله" پیشخدمت مخصوص پاپ بنییکت شانزدهم، این کشور مینیاتوری دچار بحران شد. در گذشته، هر چند سخنان پاپ در مورد همجنس گرایان، درج اخبار وسیع پدوفیلیسم کشیشان کاتولیک در اقصی نقاط جهان، همکاری جناب پاپ با نازی ها و دهها و

کسانی که اجازه رفت و آمد به آپارتمان خصوصی پاپ را داشته است، رویدادی در تاریخ جدید واتیکان است که چهره این کولونی را برای همیشه تغییر خواهد داد.

ماجرای هفته گذشته و از آنجا آغاز شد که چهره کتاب جدیدی بر قفسه های کتابفروشی ها نقش بست و به معرض فروش گذاشته شد. کتاب با استناد به مدارک محرمانه نشت شده از واتیکان، به شرح جزئیات جنگ قدرت، گرایشات و بازی های سیاسی، رشوه خواری و فساد مالی در بالاترین سطوح دولت واتیکان می پردازد. ماجرا با برکناری رئیس بانک واتیکان در روز پنجشنبه به اوج رسید و روز شنبه اعلام شد که "پائولو گابریله" همان شخصی بوده که اسناد محرمانه را در اختیار روزنامه نگاران ایتالیایی قرار میداد.

از جمله اسناد مهمی که جزو مدارک

به بیرون درز کرده است، نامه ای از کارلو ماریا ویگانو، معاون سابق فرماندار واتیکان است که از بستن قرارداد با شرکت های خاص، صورتحسابهای قلبی و یا ناپدید شدن پول شکوه می کند. پیشخدمت مخصوص پاپ که به اتهام خارج کردن مخفیانه نامه های محرمانه ای که به پاپ نوشته شده اند، رسماً مجرم شناخته شده و در زندان واتیکان نگهداری می شود. گفته می شود این نامه ها از وسعت فساد و خویشتن سالاری در واتیکان پرده بر می دارد و چهره واقعی مافیای مذهب در واتیکان را به نمایش می گذارد.

به گزارش روزنامه های ایتالیا "پائولو گابریله" در حقیقت سپر بلای مقامات بالاتر واتیکان شده است و حقیقت با آنچه که مقامات واتیکان در اظهار نظرهای رسمی خود اعلام داشته اند، تفاوت دارد. این تنها نکته

خشونت کلامی با لبخند و رنگ و نور

از صفحه ۵

دولتهای سرمایه داری است که همیشه مردم را از تغییر و از انقلاب بترسانند.

به راستی اما تایید یک خبر که ده ها عکس و فیلم از آن موجود است اینقدر مشکل است؟ یا مشکل جلوه میدهند که مسئله مهمتری را بپوشانند؟ انقلابی در سوریه در جریان است که آثرا بحران مینامند. از مردم به جان آمده سوریه به عنوان "معترضان سوری" و "مخالفان مسلح بشار اسد" یاد میکنند. از انقلاب چیزی نمیگویند اما در هر بخش خبری تاکید میکنند که سوریه به سوی جنگ داخلی پیش میرود. از "اقلیت علوی" حاکم میگویند تا "اکثریت سنی" را برجسته کنند. از "اکثریت خاموش" میگویند تا نتیجه همه کشتارها حکومت را نتیجه "شاید" زیاده خواهی اقلیتی بی مسئول جلوه دهند. یک کلام از ایشان نمیشنید که این مردم خواستار آزادی، برابری و کرامت انسانی هستند بلکه یا مسایل قومی برجسته میشود یا مذهبی.

هستند و تا چه حد برای زنان احترام قائلند.

صراط در معرفی مریم نمازی تلاش کرده است تا اهداف اعلام شده خود را عملی کند... پشتیبان ولایت فقیه باشد تا به این مملکت آسیبی نرسد. تاحقیقت وجودی دشمنان ولایت را به چشم عموم آورد، تا اخبار و اسرار نهان ایشان را افشا کند و... اما تاجر و قرن ها عقب ماندگی فکری مانع از آن است تا بفهمند که مبارزه برای حقوق زنان، مبارزه برای حقوق پناهندگان، مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اسلام "نه فقط بد نیست بلکه خواست دهها میلیون نفر مردم ایران است. که مردم بیزار از جمهوری اسلامی و خواستار جامعه ای سکولار و آزاد از قید و بند قوانین مذهبی هستند. زمانی که مردم بساط جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را جمع کنند و به زیاله دان تاریخی خودش برگردانند، فهمیدن این واقعیت برای نویسنده صراط نیز و همفکرانشان در شبکه تلویزیونی پارس خیلی دیر شده است.*

این زن ضد دین!

از صفحه ۵

از زن مسن تا زنی که دارد به پچه اش شیر میدهد و کسان مختلف دیگری و تقویم از این زاویه هم مهم است. رشته نامرئی که مذهب و سلطنت را پیوند داده است موجب می شود که صراط نیز شاهد اصلی خود را از بین سلطنت طلبان انتخاب کند: "قیل و قالهای نمازی در رسانه های مختلف ضد اسلامی، صدای مجری و تحلیلگران برخی از شبکه های اپوزیسیون از جمله، شبکه سلطنت طلب پارس را در آورد. مریم افشار در انتقاد از این حرکت قیخانه، این اقدام نمازی و چند زن سوسیالیست دیگر را خلاف انسانیت دانسته و گفت: در اوکراین عده ای خانم برای دفاع از حقوق خود بدن خود را نیمه برهنه کردن، اما این زنان چطور می توانند، هیکل های زشت و ناقص خود را وسیله مبارزه قرار دهند." از همینجا هرکس بسادگی میتواند بفهمد که مخالفین مریم نمازی از چه قماش

درست در میان اخبار و گزارشات متعددی است که در باره جنگ قدرت و فساد عظیم مالی درون واتیکان انتشار یافته است. تمام دستگاه عظیم واتیکان به حرکت در آمده است تا بر روی این قضیه سرپوش گذارد و حقیقت را از چشم پنهان کند. حتی اگر جرم پیشخدمت مخصوص عالیجناب پاپ محرز باشد و او اسناد فساد مالی واتیکان را منتشر کرده باشد، باید به او مدال داد و از او تقدیر کرد. اما اینکه او را زندانی شده و محکومیت به یک زندان طویل المدت تهدیدش می کند، نشان وحشت و هراس واتیکان از افشای واقعیات درون دستگاه گسترده و مافیائی این بنیاد الهی است. در عصر اینترنت و دنیای اطلاعات حفظ مناسبات قرون وسطائی در درون کلیسا کار بیهوده ای است. با تاریخ و تمدن بشری نمی توان برای ابد جنگید و در مقابل آن ایستاد.*

خیلی به مخاطب خود تخفیف دهند از دموکراسی هم یادی میکنند. بسیار حساب شده کلماتی را انتخاب می کنند تا به بیننده و شنونده خبرشان حالی نکند که هزینه زیادی بابت خواست های انسانی خود باید بپردازند، پس بنشینید سر جایتان به امید اینکه روزی روزگاری دیکتاتوری سرش به سنگ روزگار بخورد. رسانه های بورژوازی از بهار عربی میگویند تا روسیاهی خودشان را نیز بپوشانند. جمله اول خبری شان این است: "امروز از سوریه خشونت های زیادی گزارش شده است!" وقایع سوریه بار دیگر اما تاکید می کنند که این انقلاب نیست که خشونت می آفریند این دستگاه دیکتاتوری معتمد سرمایه است که به هر خشونت متوسل میشود تا صدای مردم را خفه کند کشتار حمله نمونه کوچکی از توحش دولت حاکم بر سوریه است. سوی دیگر دیکتاتوری بسیار خشن سرمایه، خشونت کلامی است که رسانه های بورژوازی بکار میبرند، خشونت که با لبخند و رنگ و نور پوشیده میشود.*

توهّمات ملوکانه اپوزیسیون راست!

از صفحه ۱

انقلابی قرار داده است. اپوزیسیون راست هم از این انقلابات درسهای خودش را گرفته است. تاکیدات همیشگی اینان مبنی بر انقلاب خشونت است و نافرمانی مدنی و ائتلاف با جنبش سبز و دخیل بستن به اصلاح طلبان دخردادی و قانون اساسی پناهی و غیره جای خود را به بحث "آلترناتیو سازی" داده است. اما کماکان آلترناتیو مورد قبول دولتهای غربی! کماکان آلترناتیو در برابر انقلاب و اعمال اراده مستقیم مردم و کماکان آلترناتیو در چارچوب سناریوهای رژیم چنجی برای دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم. چپ از انقلابات منطقه قدرت خیابان و ارگانهای مستقیم اعمال اراده مردم در بزرگترین دیکتاتوریهایی چند دهساله و دخالت مستقیم مردم در حکومت را نتیجه گرفت و راست اتکا به دولتهای غربی و سیاستهای غرب در قیچی کردن و به بیراهه بردن این انقلابات را، تنطویرها و غنوشیها و اسلامیون پروغری را الگو قرار داده اند به امید اینکه در آینده سیاسی ایران نقشی بعهدہ شان گذاشته بشود.

اینکه این تکاپوها تا چه اندازه میتواند موفق شود مورد بحث مستقیم این نوشته نیست. هدف این نوشته بررسی مضمون سیاستها و اهداف و چشم اندازی است که در چارچوب بحث آلترناتیو سازی از جانب نیروهای مختلف اپوزیسیون راست مطرح میشود. این بررسی بخوبی جایگاه واقعی این تلاشها در آینده سیاسی ایران را نیز تعیین خواهد کرد. از نظر حزب ما این جنب جوش فرصت مناسبی است تا نیروها و احزاب سیاسی اپوزیسیون سرنگونی طلب اعم از چپ و راست اهداف و

سیاستهای خود را در قالب بحث و جدل و مناظره علنی با یکدیگر مطرح کنند و بگوش جامعه برسانند و هدف این نوشته نیز چیزی جز این نیست. نیروهای اپوزیسیون راست مشخصا بر چهار نکته و یا بقول خودشان اصل خدشه ناپذیر تاکید میکنند: انتخابات آزاد، تمامیت ارضی، حقوق بشر و دموکراسی. ما هم بحث خود را بر همین نکات متمرکز میکنیم.

انتخابات آزاد

یک موضوع همیشگی بحث در مناظره هفتگی تلویزیون پارس که مینا احدی نیز در آن شرکت دارد انتخابات آزاد است. میگویند تعیین نظام آتی در ایران را باید به انتخابات آزاد سپرد. آقای رضا پهلوی نیز در مصاحبه مفصلی با رادیو دویچه وله در آلمان میگوید خواست ما از جهان حمایت از انتخابات آزاد در ایران است. در اینکه نهایتا مردم باید نظام آتی را تعیین کنند بحثی نیست اما وقتی اعمال اراده مردم را به صندوق رای و انتخابات پارلمانی محدود میکنند آنوقت کل صورت مساله عوض میشود. اولین سؤال اینست که چه زمانی و در چه شرایطی این انتخابات صورت میگیرد و یا اصولا میتواند عملی بشود؟ فکر نمیکنم در این کسی تردیدی داشته باشد که انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی و قبل از سرنگونی این رژیم توهمی بیش نیست. آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و تشکلهای و فعالیت سیاسی، آزادی بی قید و شرط بیان و مطبوعات، آزادی اعتصاب و اعتراض و تظاهرات، اینها همه از جمله حداقل پیش شرطهای برگزاری انتخابات آزاد در هر جامعه ای است و جمهوری اسلامی بنا به ماهیت و موجودیت خود دشمن و ناقض تمام

این آزادیهاست. کسی که انتخابات آزاد را با فرض سرکار بودن رژیم اسلامی ممکن میداند یا از آزادی انتخابات تصویری فراتر از بازی دادن همه خودیها در انتخابات اسلامی ندارد - یعنی همان تعبیر دو خردادی از آزادی - و یا امرش چیزی بجز توهّم پراکنی نسبت به رژیم اسلامی و نهایتا حفظ نظام موجود نیست (که این هم هدف اعلام شده سبزه ها و دخردادیها است). اینجا دیگر بحث نه بر سر راههای مختلف تعیین آلترناتیو بلکه بر سر سرنگونی یا حفظ رژیم است. مردم تنها وقتی میتوانند بعنوان رای دهنده پای صندوق رای بروند که قبل از آن بعنوان سرنگون کننده وارد میدان شده باشند. تک تک آزادیهای لازم برای برگزاری انتخابات آزاد که بالاتر بر شمرده شد تنها میتواند دساتور انقلاب و مبارزه انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد.

اما در شرایط بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نیز صندوق رای نمیتواند خواست و اراده مردم در تعیین نظام و سرنوشت سیاسی خودشان را تأمین کند. معیار دخالت و اعمال اراده مردم در تعیین سرنوشت سیاسیشان نه رای نیابتی و انتخابات ۴ سال یکبار پارلمانی بلکه رای مستقیم مردم در هر زمانی است که اراده کنند. مردم باید بتوانند از طریق ارگانهای توده ای خود نظیر شوراهای اداره امور جامعه و عزل و نسب مسئولین و مقامات مستقیم دخالت داشته باشند. مردم آزادی میخواهند و امروز به یمن جنبش نود و نه درصدیها بر همه روشن شده است که حتی در دموکراسیهای غربی نیز مردم نمیتوانند آزادانه در تعیین سرنوشت خودشان دخالت کنند. پارلمانی که امرش تصویب لوایح و قوانینی در خدمت منافع یک درصدیها است هر اندازه هم دموکراتیک و آزادانه انتخاب شده باشد ارگان اعمال اراده نود و نه

در صد مردم بجان آمده از سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی نیست و نمیتواند باشد. امروز این واقعیت را در آتن و نیویورک و لندن و مادرید و رم و تل آویو مشاهده میکنیم. ایران بعد از جمهوری اسلامی نمیتواند الگوی خود را از دموکراسیهای بگیرد که در جوامع غربی اعتبار و حقانیت خود را هر روز بیشتر و در سطح عمیقتری از دست میدهند.

دموکراسی

بحث انتخابات آزاد خودبخود ما را به مساله دموکراسی در کشورهایی نظیر ایران میرساند. ممکن است گفته شود دموکراسی پارلمانی ممکن است در خود غرب به پایان خط رسیده باشد ولی در جوامع دیکتاتور زده ای مثل ایران خود یک قدم به پیش است. در اینکه دموکراسی بهتر از دیکتاتوری است کسی تردیدی ندارد اما مساله اینست که در جامعه ای نظیر ایران این قدم به پیش را نمیتوان بجلو برداشت مگر کل نظامی که دیکتاتوری را ایجاد میکند در هم شکست. سؤال اینست که چرا در ایران عصر حاضر - از انقلاب مشروطه تا امروز - در هیچ دوره ای دموکراسی حتی به همان معنی دموکراسی غربی نداشته ایم؟ ضرورت دیکتاتوری رضاخانی و آریامهری و امروز اسلامی از کجا نشات میگیرد؟ از بد طینتی دیکتاتورها؟ از فرهنگ دیکتاتوری پرور؟ از نظام فئودالی و ارباب رعیتی؟ جواب هیچکدام از اینها نیست. تا آنجا که به فرهنگ مردم مربوط میشود از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷ و تا خیزش ۸۸ و تا همین امروز توده مردم به کرات نشان داده اند که خواهان آزادی و رهائی از شر دیکتاتورها هستند و علیرغم این حکومتها آمده اند و رفته اند اما دیکتاتوری همچنان پابرجا انده است. نظام فئودالی از انقلاب مشروطه ترك برداشت و با اصلاحات ارضی جای

خود را تماما به سرمایه داری سپرد اما دیکتاتوری سر جای خودش باقی ماند.

دیکتاتورها خود محصول ضروریات سیاسی - اقتصادی ای هستند که دیکتاتور می طلبد و می پرورد. دیکتاتوری شاهنشاهی و اسلامی در ایران مانند دیکتاتوری مبارک در مصر ربطی به استبداد فئودالی ندارد بلکه روبروی لازم برای نظام سرمایه داری در این کشورهاست. ریشه دیکتاتوری نظام سرمایه داری در ایران است که بدون تسمه کشیدن از گرده طبقه کارگر قادر به سودآوری و انباشت و رقابت در بازار جهانی نیست. امروز آقای رضا پهلوی از دموکراسی و رای مردم و حقوق بشر و سکولاریسم دم میزنند. من در نیت ایشان شکی نمیکنم. اما بحث بر سر نیت خیر نیست. مساله اینست که حاکمیت یک درصدیها در ایران بدون دیکتاتوری عریان امکان پذیر نیست. سرمایه داری ایران نمیتواند حق تشکل و اعتصاب و اعتراض و حتی حقوق صنفی کارگران را برسمیت بشناسد و همچنان سودآوری خود را حفظ کند. چه بسا پدر تاجدار آقای پهلوی هم زمانی که از سوئیس به ایران آمد و بر تخت نشست مدلی نظیر سوئیس را مد نظر داشت اما واقعیات ایشان را به سرعت به کودتای ۲۸ مرداد و تحمیل گورستان آریامهری رساند. پسر ایشان هم در صورت بقدرت رسیدن یا ناگزیر است برای حفظ نظم و قانون کودتا کند و یا با کودتای ژنرال واقع بینی که حوصله اش از "عدم قاطعیت اعلیحضرت" سر رفته است کنار برود. بویژه در سرمایه داری بحران زده امروز بورژوازی ایران راهی بجز شلاق کشیدن به جامعه ندارد. آقای داریوش همایون زمانی در مصاحبه با تلویزیون کانال جدید گفت اگر

ادامه صفحه ۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

توهیات ملوکانه اپوزیسیون راست!

از صفحه ۷

فرمان ملوکانه شان در پارلمانها را

ببندند، احزاب و اتحادیه های "شوگر" را منحل اعلام کنند و "نظم و امنیت" را برقرار کنند. اما برای بورژوازی ایران "روز مبادا" همین امروز است. ایران سوئد و نروژ نیست و نهاد سلطنت در ایران نمیتواند نقش تشریفاتی داشته باشد. ناگزیر است بزند و بکود و حقوق مردم را پایمال کند تا نظم و امنیت سرمایه در برابر کارگر معترض و اعتصابی که تن به ریاضت کشی نمیدهد حفظ شود. نهاد سلطنت در ایران تنها میتواند محمل دیکتاتوری عریان و سرکوبگر سرمایه باشد و بس. همانطور که جمهوری سرمایه داری در ایران محصولی بهتر از رئیس جمهوری های مادام العمر نظیر مبارک و قذافی نخواهد داشت.

در هر حال ریشه مساله اینجاست که هر نوع حکومتی که بخواهد نظام سرمایه داری را حفظ کند ناگزیر به اعمال دیکتاتوری عریان و سرکوبگرانه است. نه ریاست جمهوری در ایران سرمایه داری شباهتی به رئیس جمهور فرانسه خواهد داشت و نه شاه و خانواده سلطنتی شبیه نهاد سلطنت و شاه و ملکه در سوئد و انگلیس خواهند بود. نفی دیکتاتوری در ایران در گرو در هم کوبیدن نظام سرمایه است. آنچه ایران لازم دارد یک رنسانس و روشنگری و انقلاب سوسیالیستی است.

حقوق بشر

در مورد مضمون حقوق بشر و اینکه اعلامیه حقوق بشر نمیتواند پرچم آزادیخواهی و دفاع از حقوق انسانها در عصر ما باشد قبلا نوشته ام (رجوع کنید به مقاله "سقف کوتاه اعلامیه حقوق بشر"، انترناسیونال شماره ۴۴۸). اینجا لازم است تنها این نکته را یادآوری کنم که برای اپوزیسیون راست این تاکید بر حقوق بشر - درست مانند تاکید بر دموکراسی - بیشتر اعلام تعلق و وفاداری به کمپ غرب و دولتهای

غربی است تا دفاع واقعی از حقوق انسانها. حقوق بشر در نزد این نیروها به یک اسم رمز بی محتوا تبدیل شده است که ربطی به بشر واقعی ندارد. حقوق بشر مورد نظر اپوزیسیون راست از مبارزات کارگرانی که به جرم تشکیل اتحادیه و یا بزرگداشت اول مه و یا درخواست دستمزدهای عقب افتاده شان شلاق میخورند و زبانشان بریده میشود و به زندان میافتنند، از جنبش وسیعی که علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و تحقیر و بیحقوقی مفرطی که در حق زنان اعمال میشود هر روز در جریان است، از مبارزه جوانان برای خلاصی فرهنگی، از مبارزه علیه مجازات اعدام و سنگسار و قصاص و قوانین اسلامی و یا در دفاع از حقوق مهاجرین افغانی و ده های عرصه دیگری که به حقوق بخشهای مختلف جامعه مربوط میشود کلا غایب است. برای نیروهای راست دموکراسی و حقوق بشر کارتی است که باید در کریدور لابی ایسم و بر سر میز آلترناتیو سازی با آن بازی کرد. تا آنجا که به خیابان و مبارزه واقعی بر سر آزادی و حقوق انسانها مربوط میشود راست بیشتر نگران خشونت و فراتر رفتن از نافرمانی مدنی است تا درد و مصائب واقعی مردم، البته انتظار و توقع دیگری هم نمیتوان داشت. بنا بر تعریف امر نیروهای سیاسی راست همواره و در همه جوامع حفظ "نظم و قانون" در برابر "خشونت" توده مردم معترض به بیحقوقی ها و نابرابریها بوده است. امروز اگر نیروهای راست این تعهد به حفظ نظم و قانون را در لفافه حقوق بشر می پیچند بخاطر اینست که در اپوزیسیون قرار دارند. اگر روزی بقدرت برسند این تعارفات یکسره بکنار خواهد رفت و دوباره - همانند دوره گورستان آریامهری - حفظ نظم و قانون ابزار توجیه سرکوب هر اعتراض و مبارزه ای خواهد شد.

تمامیت ارضی

یکی از توجیهات و محملهای سرکوب دولتهای بورژوائی "اصل خدشه ناپذیر" تمامیت ارضی است. ناسیونالیسم فارس در اپوزیسیون با تاکید بر این

اصل از امروز اعلام میکند که هر اعتراض و ابراز نارضایتی در میان مردم منسوب به ملیتهای دیگر را تحت عنوان به خطر افتادن تمامیت ارضی سرکوب خواهد کرد. و این خود بیش از هر عامل دیگری به ناسیونالیسم قومی و تجزیه طلبی نزد این نیروها دامن میزند. تابوی تمامیت ارضی و تاکید بر آن درست برخلاف آنچه به نظر میرسد نتیجه عملی بجز دامن زدن به ناسیونالیسم قومی و تجزیه طلبی نخواهد داشت.

حزب ما و چپ انقلابی علی العموم خواهان اتحاد داوطلبانه همه مردم منسوب به ملیتهای مختلف در جغرافیای سیاسی ایران است. راه تحقق این امر نه بلند کردن چماق تمامیت ارضی بلکه برسمیت شناسی حقوق برابر برای همه مردم ساکن ایران مستقل از قومیت و ملیت و نژاد منسوب به آنان است. تبعیضات و نابرابری های ملی و قومی باید ریشه کن بشود. مطلقا هیچ نوع امتیاز و برتری فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و اداری و اجتماعی بین مردم منسوب به فارس و مردم منسوب به اقوام ملیتهای دیگر - کرد و عرب و بلوچ و ترکمن و غیره - نباید برسمیت شناخته شود. همه باید بتوانند به زبان مادری خود حرف بزنند و تحصیل کنند و کتاب و روزنامه منتشر کنند و رادیو و تلویزیون و رسانه داشته باشند. هر شهروند ایران باید کاملا و در همه زمینه ها متساوی الحقوق باشد. ضامن واقعی همزیستی همه مردم در جامعه ایران تاکید بر این حقوق برابر است و نه کوبیدن بر طبل تمامیت ارضی. همانطور که در بالا اشاره کردم تمامیت ارضی نیز مانند "نظم و قانون" و احتراز از خشونت قرارست ابزار توجیه سرکوب مردمی باشد که علیه تبعیض و نابرابری و بیحقوقی اعتراض و مبارزه میکنند.

در خاتمه: یک سؤال از رضا پهلوی و طرفدارانش

در خاتمه لازمست در برابر طرفداران تمامیت ارضی و حقوق بشر و دموکراسی و انتخابات آزاد و بویژه شخص رضا پهلوی این سؤال را قرار

بدهم که نظرشان در مورد سرکوبگریها و جنایات آریامهری چیست؟ آیا تصور و تلقی ایشان از دموکراسی و حقوق بشر همانست که محمدرضا شاه داشت و به آن عمل میکرد؟ آیا سرکوب و قلع و قمع تشکل های کارگری و یا هر نوع حزب و سازمان سیاسی، ایجاد فضای سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام خسرو روزبه ها و خسرو گلسترخیها و صدها مخالف دیکتاتوری آریامهری در سياهچالهای ساواک و کشتار مبارزین شریفی نظیر بیژن جزنی و ۸ زندانی سیاسی دیگر که مخفیانه در سال ۵۴ در تپه های اوین تیرباران شدند و صد ها مورد جنایت دیگر در زندانهای آریامهری و کل دستگاه شکنجه و سرکوب و آدمکشی ساواک از نظر شاهزاده و طرفدارانش محکوم است و یا تنها بخشی از "استباهات شاه فقید" است؟ نمیتوان و نباید بخاطر جنایات برتراب دهشتناکتر جمهوری اسلامی جنایات آریامهری را بفراموشی سپرد. جنایت بد و بدتر ندارد. صحبت در مورد گذشته و بخشی از تاریخ هم نیست. بحث بر سر موضع و موقعیت رضا پهلوی و طرفدارانش در سیاست امروز ایران است. سیستم سوئد و نروژ پیشکش، لطفا روشن کنید آیا شاهزاده تنها تاج شاهی را به ارث برده است و یا کل دستگاه سرکوب و جنایت و ساواک و گورستان آریامهری را؟ البته ما بدلالی که توضیح داده شد معتقدیم که این دو میراث، یعنی تاج و دیکتاتوری، را نمیتوان از هم تفکیک کرد اما شما که رویای احیای سلطنت را در سر می پرورانید موظفید که اولاً جنایات آریامهری را صریح و شفاف و علنی محکوم کنید و ثانيا توضیح بدهید که چه تضمینی هست که حقوق بشر و دموکراسی شما تعبیر و مضمون عملی بهتری از گورستان آریامهری داشته باشد؟

نه تنها شاهزاده رضا پهلوی بلکه تمام جریانات و نیروهائی که خواهان احیای سلطنت در ایران هستند باید تکلیف خود را با این سؤال روشن کنند.*

در میانه راه یک مبارزه مهم

از صفحه ۳

عظیم در "ام القرای اسلام" است که گوشه ای از قدرت خیابانی خود را در عاشورای ۸۸ به دنیا نشان داد. ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم خواهد بود اینرا منصور حکمت به درست ۱۳ سال قبل در مصاحبه با رادیو همبستگی گفت. این جنبشی است که اسلام را به حیات خلوت مسلمین روانه خواهد کرد و اکنون ۱۳ سال پس از این مصاحبه بخش دیگری از این مسیر را جامعه پیموده است. آکسیون های ۲۶ مه این جنبش گسترده و عمیق در ایران را در خارج کشور نمایندگی

اپوزیسیون بسیار جالب است. همگان شاهد بودند که چگونه جریانات مختلف اپوزیسیون یکی پس از دیگری با بیعلاقگی و بعضا از سر ناچاری و با تاخیر يك هفته ای اطلاعیه دادند و فتوا را محکوم کردند و یا از آزادی نقد مذهب دفاع کردند. اینجا وارد محتوای این اطلاعیه ها نمیشوم، بلکه میخواهم قدرت این جنبش و فشارش را روی اپوزیسیون راست و میانه و چپ سنتی یادآور شوم. چنان این فشار زیاد بود که حتی برخی شخصیت های ملی اسلامی هم مجبور به دادن اطلاعیه ای شدند و تندتر از حد مرسوم خود به فتوا حمله کردند

علی چپ بزند و نسبت به آن بی تفاوت باشد. این یکی از مهمترین عرصه های مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی است که ملی اسلامی ها را هم توی سوراخ میکند. اما تا جایی که به بخشی از جریانات چپ مربوط میشود، ظاهرا هنوز اینرا حالی نشده اند که نمیتوان آزادیخواه بود و با ایدئولوژی حاکم مماشات کرد و یا بعنوان يك مساله فرعی و حاشیه ای با آن طرف شد. اینرا همه باید بدانند که کسی که به ایدئولوژی حاکم تعرض نمیکند، باید نه تنها در آزادیخواهی بلکه در ادعای سرنگونی طلبی اش هم شك کرد.

و بالاخره در طول سه هفته اخیر آزادی بی قید و شرط و آزادی نقد و



و بعضا توهین به این مقدسات را هم حق مردم دانستند. بی بی سی و صدای آمریکا بارومتری بود که بخوبی فشار جنبش ضداسلامی مردم را نشان داد. از اینکه آهنگ شاهین نجفی توهین بوده یا نه شروع کردند و فقط ظرف چند روز و برای جبران افتضاحی که بار آورده بودند، به مساله آزادی بیان و حتی آزادی نقد مذهب رسیدند. اما جنبش ضد مذهبی مردم ایران چنان روحیه تعرضی دارد و به پیش میتازد که هیچ جریان سرنگونی طلبی نمیتواند خود را به کوچه

کرد. و این تاثیرات سیاسی مهمی در فضای اپوزیسیون و رسانه های دست راستی داشت. حزب کمونیست کارگری سازمانده اکثر این آکسیون ها بود و قاطعانه برای آن تلاش کرد. جای سوال و تاسف است که بخش اعظم اپوزیسیون نسبت به این آکسیون ها سکوت مطلق کرد.

بررسی فضائی که در سه هفته اخیر، یعنی از زمان اعلام فتوا علیه شاهین نجفی تا ۲۶ مه در فضای اپوزیسیون و رسانه ها شکل گرفته است برای نشان دادن وضعیت

هجو مذهب به اندازه سالها جلو رفت و اهمیت خود را به طیف وسیعی نشان داد. این یکی از بندهای "برنامه يك دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری است و حزب در طول این جدال سیاسی و ایدئولوژیک آنرا برافراشته تر کرد. آیا هنوز هم کسی در این شك دارد که اگر ایرانی غیر اسلامی و آزادی بی قید و شرط بیان و نقدو هجو مذهب میخواهد باید حزب کمونیست کارگری را تقویت کند؟ *

به یاد زن آزاده و کمونیست
آذر درخشان

مینا احدی



خبر تلخ درگذشت آذر را در ایتالیا شنیدم. او زنی آزاده بود که در مقابل حکومت فاشیست اسلامی و جناح های رنگارنگ و متعدد و مدافعین خجول و آشکار این حکومت ایستاد و همواره از آزادی و حقوق انسانی و از حقوق و حرمت زنان دفاع کرد.

آذر درخشان را در کنفرانسهایی بین المللی ملاقات کرده بودم، و با وجود اینکه ما اختلاف نظرانی باهم داشتیم، ولی در يك نقطه مشترک بودیم، حکومت اسلامی دون شان بشر است و باید برود.

از چنین انسانهایی که در تمام عمر برای دفاع از حقوق انسانی و بر علیه يك حکومت فاشیست و دیکتاتور مبارزه کرده و کوتاه نیامدند، باید با تمام قوا دفاع کرد. ادای احترام به آذر درخشان و حضور در مراسمی که از سوی سازمان زنان هشت مارس برای وداع با آذر درخشان سازمان یافته، باید این مراسم را به يك گردهمایی بزرگ همه آزادیخواهان و مدافعین حقوق زنان تبدیل کند. يك گردهمایی علیه حکومت اسلامی و

در گرامیداشت یاد زنی آزاده که تا آخرین لحظات زندگیش علیه این حکومت ایستاد و مبارزه کرد.

من بنوبه خودم از همه فعالین مدافع حقوق انسانی و مدافعین حقوق زنان دعوت میکنم که در این مراسم حضور بهم رسانند. ما باید نشان دهیم که به فعالیتهای ارزنده يك زن کمونیست و انقلابی در دفاع از حرمت زنان و در مقابله با يك حکومت جنایتکار و فاشیست اسلامی، احترام میگذاریم و با آرمانهای این کمونیست انقلابی تجدید عهد میکنیم که تا سرنگون کردن این حکومت ضد زن و ضد انسان از پای ننشینیم.

گرامی باد یاد آذر درخشان
مرگ بر حکومت اسلامی
مینا احدی

کلن ۱ ژوئن ۲۰۱۲

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

جمعی از دوستان - تورنتو	۳۰۰۰ دلار
صابر نوری	۱۰۰۰ کرون
ناصر از تورنتو	۶۰۰ دلار
افسانه وحدت	۲۰۰۰ کرون
مسعود دانشی	۱۰۰۰ دلار

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را

تکثیر و وسیعا پخش کنید

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

مصر بر سر سه راهی



کاظم نیکخواه

از صفحه ۱

روی پلاکاردهایی که یک بار دیگر در میدان التحرير قاهره بالا رفته است این جمله به زبان عربی و سیما به چشم میخورد: "نه بازگشت (به رژیم سابق) نه اخوان". نتیجه دور اول انتخابات ریاست جمهوری مصر جز این دو راه، راه دیگری مقابل مردم نگذاشته است. تنها نتیجه ای که از این انتخابات میتوان گرفت اینست که آینده مصر را صندوق رای تعیین نمیکند، بلکه نتیجه زورآزمایی گریزنایزیر سه جنبش و سه نیروی متفاوت بر سر سه آینده متفاوت است که نشان میدهد مصر به کجا خواهد رفت، یعنی کشاکش میان جریانات اسلامی، طرفداران رژیم سابق و مردم انقلابی. به عبارت دیگر برخلاف آنچه که ژورنالیسم سطحی تصویر کرده بود و نیروهایی مثل جمهوری اسلامی آنرا دامن میزدند، دست یابی به قدرت و خاموش کردن انقلاب برای اسلامی ها و رژیم سابقی ها کار ساده ای نیست و جدال حاد طبقاتی در این جامعه در پیش است و نتیجه این جدال است که سرنوشت مصر را تعیین خواهد کرد. قرار است دور دوم انتخابات مصر در اوایل ماه ژوئن یعنی دو سه هفته دیگر برگزار شود. و رای دهندگان باید به دو کاندید باقی مانده رای بدهند. یکی احمد شفیق آخرین نخست وزیر رژیم مبارک، و دومی محمد مرسی کاندید اخوان المسلمین. شق سوم ادامه انقلاب علیه هردو این نیروهاست. بسیاری از انقلابیون بر ادامه انقلاب تاکید میکنند.

نفس نتیجه دور اول انتخابات نشان میدهد که هرکدام از دوکاندید باقی مانده تنها اقلیتی از مردم را نمایندگی میکنند و بویژه انقلابیون یعنی آنها که فعال و رهبر و نیروی اصلی انقلاب و به زیر کشیدن مبارک بوده اند در مقابل آنها قرار دارند و هردو را دشمنان انقلاب و آزادی مردم میدانند.

نتیجه نهایی چیست؟

هرکس که به صف انقلابیون از دور نگاه میکند بیش از نقطه قوتهای آنها ضعفهای آنها را می بیند: نداشتن خواستههای روشن و برنامه و پلاتفرم مدون، نداشتن چهره های شناخته شده سراسری، نداشتن حزب و سازمان سراسری، و نداشتن سازمانهای نمایندگی و اطلاع رسانی در سطح بین المللی و بسیاری جنبه های دیگر. اینها همه حقیقت است. اما تا اینجا جبهه انقلاب علیرغم این ضعفهای جدی و علیرغم اینکه دشمنانش از این ضعفها برخوردار نیستند و نقاط قوت زیادی دارند، توانسته است با اتکا به رادیکالیسم و پایگاه گسترده مردمی و سازش ناپذیری فعالینش، قدم به قدم آنها را عقب براند. نباید فراموش کرد که به زیر کشیدن مبارک و جلو بردن انقلاب تا اینجا کار عظیم و هرکولی ای بود که همین صف بی برنامه و بی حزب و بی کاریما، به دشمنان قدرتمند و غول آسای انقلاب تحمیل کرد. هم دولتهای غربی و هم وابستگان رژیم مبارک و هم اخوان المسلمین توطئه های زیادی کردند که بتوانند صف انقلاب را متفرق و متشتت کنند و رژیم مبارک را با اصلاحاتی جزئی حفظ کنند. اما نتوانستند. اکنون سوال اینست که آیا هنوز میتوان به همین شکل پیش رفت؟

حقیقت اینست که دشمنان انقلاب و از جمله جریانات اسلامی علیرغم نقطه قوتهای متعدد ضعفهای زیادی نیز از خود نشان داده اند. برای نمونه اخوان المسلمین به مردم نشان داد که بهیچ وجه قابل اتکا نیست. آنها اعلام کردند که برای ریاست جمهوری کاندید معرفی نمیکند اما وقتی که

انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند

مارکس و بردگی جنسی!

و نگاهی به "انقلاب زنانه" در عصر ما



سخنران: مصطفی صابر

زمان: شنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۱۲، ساعت ۱۲ بعد از ظهر
مکان:

5100 Yonge St.
North York Civic Centre
Committee Room: 3

مسئول انجمن مارکس کانادا

محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

نیز به شکست رسید. و اکنون مصر از قانون اساسی ای بر خوردار نیست و همین نیز موضوع یک جدال طبقاتی حاد در آینده نزدیک است. اخوان المسلمین نشان داد که هیچ سنخیتی با انقلاب و انقلابیون ندارد و بارها دست یاری و دوستی به سوی دست اندرکاران رژیم مبارک دراز کرد و همین موقعیت این جریان را بسیار تضعیف نمود. این روزها اینها با شعار دادن علیه نظامیان میخواهند این تصویر از خود را عوض کنند. آنها خود را نماینده انقلاب میخوانند و

فضا را مساعد دیدند یکی از رهبران بنام "خیرت شاطر" را بعنوان کاندید معرفی کردند اما کمیسیون بررسی صلاحیت ها او را به دلیل تقلبهای مالی و پولشویی رد کرد. بعد از آن محمد مرسی را معرفی کردند. گفته بودند که جامعه ای با قوانین سکولار را دنبال میکنند اما طی این مدت بارها تلاش کردند که قوانین اسلامی را مورد تبلیغ قرار و دفاع قرار دهند و گفتند که قانون اساسی باید بر اساس اسلام تدوین شود. تلاش کردند کمیسیون تعیین قانون اساسی را فقط از اسلامی ها تشکیل دهند که این

ادامه صفحه ۱۴

گزارش یک سفر

از صفحه ۱

کمیته علیه اعدام صحبت خواهد کرد.

۲۵ ماه مه ، ساعت ۹ شب
صدای لرزان از درون زندان
تاریخ یک شهر را به دو
قسمت تبدیل میکند، قبل و
بعد از شنیدن این صدا!



در سالن محل برگزاری کنفرانس مطبوعاتی، سکوت عجیبی مستولی است. یک نفر از آنسوی خط حرف میزند: "نمیخواهم زیر خاک بروم، جوانم و آرزوهای زیادی دارم، میخواهم زنده بمانم، فکر کنید که من بچه شما هستم، از شما تقاضای کمک دارم شمای که صدای مرا می شنوید، شما سازمانهای حقوق بشری کمکمان کنید." سالن "پی-ان-بکس" محل برگزاری این کنفرانس، در سکوت و شوک عجیبی بسر میرود. کسی حتی پلک هم نمیزند. همه با بغضی در گلو و در سکوت مطلق به این حرفها گوش میدهند....

روزنامه ایتالیایی در مورد این لحظه مهم در تاریخ شهر پردونونه نوشت: شنیدن این صدا، فاصله بین ایران و پردونونه، فاصله بین ما و خاورمیانه را کم میکند. زانیار و لقمان مرادی نه فقط نام فامیل مشترکی دارند، بلکه آنها سلول مرگشان را نیز باهم سهیم هستند. ما مردم ایتالیا به یاری آنها می شتابیم، به یاری زانیار و لقمان و به یاری شاهین نجفی و آزادی بیان. این صدای گرم و لرزان، به گروهی از مردم که در سالن پان-بکس تجمع کرده اند، میگوید: مرا و لقمان مرادی ۲۶ ساله را دستگیر کردند و شکنجه کردند، اتهامات را قبول

که از مدتها قبل تدارک دیده بودیم، رساندن صدای زندانیان و محکومین به اعدام به گوش مردم ایتالیا. در این روزها اما یک واقعه دیگر، یعنی اعلام فتوا از طرف حکومت اسلامی ایران علیه شاهین نجفی هنرمند ایرانی - آلمانی، یک موضوع مهم برای ما است و بهمین دلیل دفاع از شاهین و افشاکری در مورد این فتوا را در کل برنامه قبلی می گنجانیم و کمیته ندا دی در ایتالیا که سازمان دهنده کل این برنامه ها است، در فاصله چند روز برای روز ۲۵ ماه مه در محل "پی - ان - بکس" در شهر پردونونه، یک برنامه ابراز همبستگی با شاهین نجفی و همچنین برنامه گفتگوی مستقیم با محکومین به اعدام را سازمان میدهد و در روزنامه گزنتینو به تاریخ ۲۴ ماه مه با یک مصاحبه با طاهر جعفرزاده سازمان ده اصلی برنامه ها چنین مینویسد:

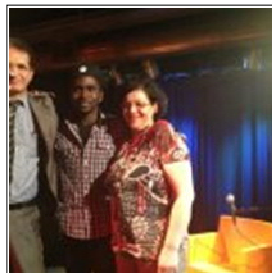
"بعد از کمپین سکینه محمدی آشتیانی زن ایرانی محکوم به سنگسار، که ایتالیا از او دفاع کرد، این بار در پردونون یک اتفاق مهم حقوق بشری اتفاق می افتد. در این شهر این بار قرار نیست تظاهراتی انجام شود، یک واقعه منحصر بفرد اتفاق می افتد، یک زندانی از ایران فردا قرار است با مردم ایتالیا صحبت کند." در این روزنامه همچنین مینویسند که شاهین نجفی یک هنرمند ایرانی صرفا به دلیل خواندن یک آهنگ در مورد یک امام که در سال ۸۹۶ مرد، به اسم امام نقی اکنون به مرگ محکوم شده و برای سر او جایزه ۱۰۰ هزار دلاری تعیین کرده اند قرار است اگر امکان تماس با او باشد در این برنامه صحبت کند. روزنامه گزنتینو مینویسد که در برنامه روز ۲۵ ماه مه مینا احدی از

کردیم. هدف اصلی آنها پدرم بود که فعال سیاسی علیه حکومت است."

یک روزنامه دیگر ایتالیایی به اسم مسترجو نتو، نوشت: به همراه سازمان ندا دی و مینا احدی از کمیته بین المللی علیه سنگسار صدای هیجان انگیز جوانی را می شنویم که توسط تلفن دستی حرف میزند. و ما صدای عصبانیت مردمی را می شنویم که در این سالن تجمع کرده اند"

برای آنهایی که اسیر حکومت اسلامی هستند و بویژه این روزها شاهد اعدامهای گسترده در ایران هستند، رساندن صدای خود به خارج از زندانها یک وسیله مهم دفاع از ادامه زندگیشان است. برگزار کنندگان این برنامه از همه مردم ایتالیا و از دولتهای اروپایی میخواهند فوراً کاری بکنند. ایران هر سه ساعت یکبار یک انسان را میکشد و دنیا نباید در مورد این جنایات سکوت کند.

دفاع از شاهین نجفی و اجرای برنامه توسط یک خواننده رپ ایتالیایی



بخش دوم این برنامه، در مورد شاهین نجفی است. ما برای گرفتن پیام مستقیم از شاهین نجفی تلاش میکنیم، امکان تماس مستقیم و دادن پیام از سوی شاهین نجفی، بدلائل امنیتی فراهم نیست. من یکروز قبل از برنامه با گونتر والراف، هنرمند و نویسنده سرشناس آلمانی که فعالانه علیه فتوای شاهین نجفی کوشش میکنند و رسانه های آلمانی نوشته اند که او همراه با شاهین است، تماس میگیرم و با او حرف میزنم. آهنگ "آی نقی" با اجرای شاهین

نجفی برای حاضرین در مراسم نمایندگان مطبوعات، پخش میشود و طاهر جعفرزاده در مورد کمپین یادآوری نقی و همچنین اجرای آهنگ آی نقی توضیحاتی داده و اعلام فتوا از سوی چند آخوند حکومتی و حکومت اسلامی را برای حاضرین توضیح میدهد. در ادامه برنامه، من در مورد این امر که حکومت اسلامی ایران سی و سه سال با نام خدا و قران و مذهب و اسلام، یک جامعه را سرکوب کرده حرف میزنم و از یک جنبش عظیم ضد اسلامی در ایران و بویژه جنبش ضد اسلامی جوانان و اینکه اجرای ترانه آی نقی از سوی شاهین نجفی تنها یک نمونه از این جنبش عظیم اجتماعی است، میگویم. در ادامه یک خواننده ایتالیایی برای ابراز همبستگی با شاهین نجفی و جوانان در ایران دو ترانه اجرا میکند.

حضور در تلویزیون سراسری ایتالیا "کانال ایتالیا" و صحبت با میلیونها نفر در مورد زانیار و لقمان مرادی و محکومین به اعدام در ایران و در مورد شاهین نجفی

روز ۲۸ ماه مه من و طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی ، از ساعت ۶ صبح مهمان برنامه گفتگوی مستقیم با مردم هستیم. در این برنامه دو نفر سیاستمدار ایتالیایی نیز حضور دارند. برنامه دو ساعته با امکان گفتگوی مستقیم با مردم .

در ابتدا در مورد زندانیان سیاسی و اعدامها در ایران حرف میزنیم و ویدئویی از سران و مزدوران حکومت اسلامی پخش میشود که در آن، چهره جنایتکاران اسلامی را نشان میدهند. سپس سوالات از ما شروع میشود، تعداد اعدامها در روزهای اخیر و مقابله با اعدام چگونه باید باشد و بحث در مورد سوریه و جنایات بشار اسد و نقش مستقیم جمهوری اسلامی در این جنایات و مبارزات مردم در ایران

برای سرنگون کردن يك حکومت فاشیست و ضدانسانی اسلامی است.

در ادامه برنامه در مورد شاهین نجفی حرف میزنیم. ویدئو کلیپی از او پخش میشود و در مورد جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران حرف میزنیم. مهمانان ایتالیایی حاضر در برنامه نیز از ما سوال میکنند و مباحثات در مورد مشکلات مردم ایتالیا و ایران و همبستگی مردم در این دو کشور برای رسیدن به یک زندگی بهتر است.

در این برنامه در مورد اینکه کنسولگری حکومت اسلامی در مونیخ، فتوای قتل شاهین نجفی را پخش کرده و برای ایرانیان ساکن در آلمان از طریق ارسال نامه و ایمیل این فتوا را پخش کرده و عملاً میخواهد قتل شاهین را سازمان دهد، صحبت میکنیم و ضرورت فوری بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه جای اروپا و دنیا را مطرح میکنیم. این برنامه که میلیونها بیننده دارد، یک امکان مهم تماس با مردم و جلب توجه افکار عمومی به مبارزات مردم در ایران است.

نامه سرگشاده به رییس جمهور ایتالیا، گریگو نا پولیتانو

از طرف کمیته ندا دی و کمیته بین المللی علیه اعدام یک نامه سرگشاده به رییس جمهور ایتالیا ارسال میشود. این نامه با اشاره به جنایات جمهوری اسلامی و اعدامهای گسترده در ایران و همچنین با عطف توجه به تماس تلفنی محکومین به اعدام در ایران و با دادن گزارش کوتاهی از فتوای قتل شاهین نجفی از رییس جمهور ایتالیا میخواهد که به این جنایات حکومت اسلامی اعتراض کند.

این نامه قرار بود در جریان سخنرانی رییس جمهور در شهر پردونونه که در روز ۳۰ ماه مه بود، به او داده شود.

کلن - ۳۱ ماه مه ۲۰۱۲

دو الگوی جالب از اعتراضات کارگری

شهلا دانشفر

هفته ای که گذشت ما شاهد دو خبر مهم کارگری بودیم که به نوع خود الگوی جالبی از اعتراض و راهی بر جلب حمایت جامعه بدست میدهد. یک نمونه آن تجمع کارگران اخراجی چندین کارخانه از جمله پاک پی، برفاب، بابک متال و کاشی ارینگ در ۴ خرداد ماه در شهر کرد است. در این روز بیش از ۲۰۰ کارگر اخراجی در این کارخانجات در حرکتی هماهنگ در محوطه پارک ملت شهر کرد تجمع کردند و علیه اخراجها به اعتراض برخاستند. طبقا جای خانواده های کارگران در این حرکت اعتراضی مهم خالی بود، اما نفس سازمان یافتن چنین حرکت متحدی یک نمونه قابل توجه در تقابل با بیکارسازیهاست.

در شرایطی که به قول خود حکومت سونامی بیکاری در پیش و سخن از اخراجهای وسیع و تداوم آن تا سال ۹۴ در میان است، یک راه موثر در

تقابل با این تعرضات، اعتراض متحد کارخانجات مختلف در هر شهر است. واقعیت اینست که هم اکنون در هر شهر در مراکز مختلف کارگری بر سر بیکارسازیها و دستمزدهای معوقه اعتراض و مبارزه است. این اعتراضات میتواند در تماس با یکدیگر به حرکتی قدرتمند تبدیل شود و جلوی تهاجمات هر روزه دولت و کارفرمایان را بگیرد. حرکت متحد کارگران در پارک ملت شهر کرد از این جهت یک الگو است. میتوان این الگو را تکثیر کرد. میتوان پیوستن خانواده ها به این اعتراضات این الگو را به حرکت های اعتراضی قدرتمندی تبدیل کرد. خصوصا در شرایطی که فضای اعتراض در جامعه بالاست، چنین اشکالی از مبارزه پتانسیل جلب بیشترین حمایت اجتماعی را دارد. باید از تمام این ظرفیت ها استفاده کرد. اینها همه موضوعاتی است که باید در مجامع عمومی کارگری به بحث درآید و به تصمیم مشترک

کارگران در کارخانجات مختلف تبدیل شود.

اما یک نمونه دیگر از این نوع اعتراضات کارگری، اعتراض راهپیمایی کارگران بخش خدمات شهرداری بوکان در سوم خرداد ماه است. در این روز ۱۲۰ نفر از کارگران بخش خدمات و جمع آوری زباله شهرداری بوکان که تحت پوشش یک شرکت پیمانکاری قرار دارند در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، زباله ها را در خیابانها پخش و از اداره مخابرات به سوی فرمانداری بوکان راهپیمایی کردند. کارگران در آنجا به تحصن نشست و خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. این حرکت اعتراضی از دو جنبه اهمیت دارد، اول قدرت اعتصاب کارگران، آنهم کارگران شهرداری که در اتصال به مردم یک شهر قرار دارند و اعتصاب آنها و جمع نشدن یکرز زباله ها توجه کل مردم را بخود جلب میکند. دیدن

این جنبه از کار خود نکته قابل توجهی است که کارگران باید با مطلع ساختن مردم از علت اعتراضشان، تلاش کنند بیشترین حمایت جامعه را جلب نمایند و موضوع را به اعتراضی اجتماعی تبدیل کنند. دومین شکل اعتراضی است که کارگران برای بیان خواستشان اتخاذ کرده اند، راهپیمایی و تحصن مقابل فرمانداری شهر. راهپیمایی در وسط شهر، تحصن در مقابل مراکز قدرت رژیم مثل فرمانداری شکل موثر دیگری از اعتراض است که صدای کارگران را به سطح جامعه میکشاند و میتواند کل یک شهر را به تحرک درآورد. چنین نمونه ای از اعتراض را بارها از سوی کارگران کارخانه هایی چون نساجی قایمشهر، مخابرات راه دور، صنایع فلزی و کیان تایر شاهد بوده ایم و بطور واقعی تاثیرات مهمی در فضای اعتراضی شهر ها و توازن قوای سیاسی جامعه داشته است. نکته مورد تاکید من اینست که با توجه به اینکه امروز مساله بیکارسازیها، مساله نپرداختن

دستمزدها، سطح نازل دستمزدها و فقر و گرانی، مساله بخش عظیمی از جامعه است، اتخاذ اشکالی از مبارزه که بتواند حرکت را به سطح جامعه بکشاند و بویژه نقش خانواده های کارگری در اجتماعی شدن بیشتر این اعتراضات گامی مهم و تعیین کننده در قدرت یابی کارگران است. بطور خلاصه می شود گفت: اولین گام برای اجتماعی شدن اعتراضات و متحد نگاهداشتن کارگران، برپایی اجتماعات و مجامع عمومی کارگری است و گام بعد ارتباط کارگران کارخانجات مختلف با یکدیگر، تدارک اعتراضات همزمان در مقابل مراکز قدرت رژیم و اتخاذ اشکالی از اعتراض چون راهپیمایی و تحصن است. اینها همه راهکارهایی است که به کارگران امکان میدهد تا با قدرت بیشتری در اوضاع سیاسی امروز جامعه نقش ایفا کنند و نه تنها تهاجم هر روزه رژیم به زندگی و معیشت خود را سد کنند، بلکه پرچمدار خواسته های کل جامعه باشند.*

چند خبر از کارگران زندانی و احضار فعالین کارگی

اطلاعیه شماره ۵۶

حامد چمنی، فعال کارگری در بندرعباس به دادگاه احضار شد

صبح روز پنج شنبه، چهارم خرداد "حامد چمنی وائق علیا" از فعالین کارگری بندرعباس از سوی دادگاه انقلاب این شهر احضار شد. حامد ۳۱ ساله و ، از کارکنان بخش ترخیص کالا در گمرک بندرعباس،

پیشتر در حمایت از همکاران خود به دلیل تعویق ۱۱ ماهه حقوق در تجمع اعتراضی کارگران شرکت کرده بود. وی صبح روز ۴ خرداد به همراه چند تن از همکاران خود بنا به شکایت اداره اطلاعات مبنی بر ارتباط با گروه های "ضد انقلاب"، از سوی دادگاه انقلاب بندرعباس احضار شد.

شاهرخ زمانی از زندان تبریز به محلی نامعلوم انتقال یافت به گزارش کمیته حمایت از شاهرخ

زمانی روز ۷ خرداد ماموران اداره اطلاعات شاهرخ را با دست بند و پابند از زندان تبریز خارج کرده و به مکان نامعلومی انتقال دادند. این انتقال بدون هیچ گونه توضیح انجام گرفته و موجب نگرانی شدیدی در بین خانواده و دوستان شاهرخ زمانی شده است.

علی پور سلیمان، عضو سازمان معلمان ایران آزاد شد

علی پورسلیمان، عضو سازمان معلمان ایران، پس از تحمل یک سال حبس تعزیری عصر پنجشنبه، ۴ خرداد از زندان اوین آزاد شد. وی روز یازدهم خرداد سال ۹۰، پس از بازگشت از یک کوه نوردی هفتگی، در بیرون از منزل بازداشت شد. وی

که پس از بازداشت به منزل خود برده شده بود کلیه وسایل شخصی اش توسط ماموران ضبط شده و سپس به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در زندان اوین منتقل شد.

پایان اعتصاب غذای محمد جراحی

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی کمیته حمایت از شاهرخ زمانی طی صبح روز ۷ خرداد محمد جراحی با انتقال به بند خود و رسیدن به خواسته هایش (حق تلفن، ملاقات، هواخوری و...) به اعتصاب غذای

خود پایان داده است.

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید فوراً متوقف گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ خرداد ۹۱، ۳۱ مه ۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

زنده باد سوسیالیسم!

۶ ژوئن فراخوان به تظاهرات در مقابل سازمان جهانی کار "آی ال او"

شرکت خواهیم کرد. از همگان دعوت میکنیم که به این حرکت اعتراضی بپیوندند.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران

۲۹ مه ۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

سازمان جهانی کار در میدان ملل ژنو فراخوان داده شده است. این آکسیون از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲ بعد از ظهر خواهد بود. ما نیز مانند هر سال با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار "آی ال او" و آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در آنجا خواهیم بود و در این روز در این آکسیون اعتراضی

صد و یکمین اجلاس سازمان جهانی کار در فاصله ۳۰ مه تا ۱۵ ژوئن برگزار میشود. برای ۶ ژوئن از سوی فعالینی از سندیکاهای ث ژ ت (CGT)، ث. اف. د. ت (CFDT)، اف. اس. او (FSU)، اونسا (OUNSA) و سولیدر (SOLIDAIRE) به شرکت در آکسیونی اعتراضی در مقابل



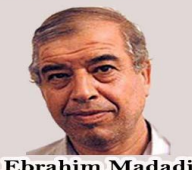
Free jailed workers in Iran



Mohammad Jarahi



Reza Shahabi



Ebrahim Madadi



Shahrokh Zamani



Ali Khatoni



Behnam Ebrahimzadeh



Rasoul Bodaghi

FREE THEM NOW!

کمیته همبستگی بین المللی کارگری:

جمهوری اسلامی را از کنفرانس آی ال او اخراج کنید

خود را به حضور جمهوری اسلامی در این سازمان اعلام داریم.

ما از همه سازمانهای کارگری و همه نمایندگان شرکت کننده در اجلاس آی ال او میخواهیم که علیه این رژیم بخاطر آزار و سرکوب کارگران و زیر پا گذاشتن ساده ترین حقوق مردم در ایران اعتراض کنند و خواهان اخراج هیات اعزامی آن از آی ال او شوند.

جمهوری اسلامی یک رژیم آپارتاید جنسی است و مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باید از همه سازمانها و نهادهای جهانی و بویژه آنجا که به اسم کارگر سخن میگوید اخراج شود.

۱. علیه شرکت رژیم اسلامی در کنفرانس آی ال او اعتراض کنید

۲. نمایندگان رژیم اسلامی را در آی ال او بایکوت کنید

۳. برای آزادی کارگران زندانی در ایران اعتراض کنید

رژیمی که کارگران را دستگیر و زندانی میکند و به شلاق میکشد باید از سازمان جهانی کار اخراج شود

کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران

۸ خرداد ۹۱، ۲۸ مه ۲۰۱۲
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

هرساله هیاتی از سوی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار شرکت میکند. اینها نه تنها کارگران ایران را نمایندگی نمیکند، بلکه نمایندگان رژیم اسلامی ایران هستند که با محروم کردن کارگران از حقوق پایه ای شان آنها را بطور سیستماتیک و دایم مورد آزاد و اذیت قرار میدهد.

جمهوری اسلامی کارگران را بخاطر ایجاد تشکل، بخاطر شرکت در اول مه و بخاطر اعتراض برای دستمزد و سایر حقوق پایمال شده شان، زندانی کرده و به شلاق میکشد،

این رژیم حقوق انسانی مردم و کارگران را وحشیانه زیر پا میگذارد،

کودکان را اعدام و زنان را سنگسار میکند و بعد از چین بالاترین رکورد اعدام در دنیا را دارد،

چنین رژیمی نه تنها جایش در آی ال او و مراجع جهانی نیست، بلکه جایش در دادگاههای بین المللی و محاکمه بخاطر جنایاتش علیه مردم است.

این رژیم باید از سازمان جهانی کار و همه نهادهای جهانی اخراج شود.

ما هر ساله با شرکت خود در اجلاس های سازمان جهانی کار تلاش کرده ایم که صدای کارگران و مردم ایران باشیم و اعتراض

اساس سوسیالیسم انسان است!

ایران سولیداریتی متعلق به همه کسانی است که رژیم شکنجه و اعدام را نمی خواهند!

Face book:
IranSolidarityToronto
E-mail:
iransolidaritytoronto@gmail.com
Tel: 647 298 0409

ایران سولیداریتی - تورنتو



صدای مردم ایران علیه حکومت اسلامی را رساند کنید.

برای اطلاعات بیشتر و چگونگی کمک و همکاری با نهاد ایران سولیداریتی در تورنتو می توانید از طریق ایمیل، فیس بوک و تلفن زیر

چهره کرب و ضد انسانی جمهوری اسلامی را باید به مردم دنیا نشان داد. به این منظور و برای جلب حمایت مردم شریف تورنتو از مبارزات مردم ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی فعالین "ایران سولیداریتی" روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۱ تا ۱ بعد از ظهر در تقاطع خیابانهای یانگ و دانداس (مقابل درب اصلی این سنت) حضور خواهند داشت.

ایران سولیداریتی می خواهد صدای همه کسانی باشد که به اعدام، سنگسار، شکنجه و بی حقوقی مردم ایران توسط مشتی دزد و آدمکش حرفه ای اعتراض دارند. با حضور خود بر سر میزهای ایران سولیداریتی

پیام به مردم سوریه

از صفحه ۱

از اصلی ترین دشمنان شما نیز محسوب میشود، راسخ تر میکند.

به نمایندگی از اعضا و دوستان حزب کمونیست کارگری و به نمایندگی از مردم ایران، برایتان صمیمانه در مبارزه برای سرنگونی حکومت جنایتکار سوریه و رسیدن به جامعه ای آزاد، برابر و انسانی، فارغ از ظلم و سرکوب و بی حقوقی آزادی موقت میکنم. ما از هیچ تلاشی در حمایت از مبارزه آزادیخواهانه شما دریغ نخواهیم کرد.

اصغر کریمی
رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مه ۲۰۱۲

جنایات دولت بشار اسد و بویژه صحنه های تکان دهنده قتل عام در "حوله" و کشتار بیرحمانه کودکان، قلب هر انسانی را به درد میآورد. شما را در آغوش میگیریم و عمیقاً در غم جانکاه شما شریکیم. بشریت اینهمه وحشی گری دولت سوریه و مبارزه قهرمانانه شما را هرگز فراموش نخواهد کرد.

ما نیز درگیر مبارزه ای سخت و رودررو با وقیح ترین حامی دولت سوریه یعنی جمهوری اسلامی ایران هستیم که ۳۳ سال برای سر پا نگهداشتن خود بی وقفه جنایت کرده است. دین صحنه های وحشیگری دولت اسد، عزم مردم ایران را در سرنگونی جمهوری اسلامی که یکی

مصر بر سر سه راهی

از صفحه ۱۰

اما اکنون کار بجایی رسیده است که انقلابیون ناچارند برای اداره جامعه قدم جلو بگذارند و بجای بایکوت و نفی و نه گفتن، تصویر اثباتی خود را از آینده جلو بگذارند. برای این کار خواستهای روشن و فرموله لازم است. برنامه و پلانفرم لازم است. سازمان و حزب سراسری لازم است. رهبران و چهره های کارسماتیک و شناخته شده لازم است. نفس همین که صف انقلاب ناچار شد انتخابات را بایکوت کند نشانه ای از همین ضعفها بود. و گر نه قاعدتا رهبری انقلاب میبایست اوضاع را بدست میگرفت و روند و چگونگی و زمان انتخابات را تعیین میکرد.

ما در شماره های قبل انترناسیونال اظهار امیدواری کرده بودیم که صف انقلاب بتواند این ضعفها را با سرعت بر طرف کند. از لابلای اخبار میتوان تلاشهایی نه چندان وسیع را در این

میگویند رژیم سابق باید برچیده شود. اما بنظر میرسد این تلاش تاکنون نتیجه چندان برایشان نداشته است. در مقابل آنها، انقلابیون نیز تماماً سلبی پیش رفته اند. یعنی حرف و برنامه اثباتی جلو نگذاشته اند اما نارضایتی خود را از وضع موجود در هر مقطعی اعلام کرده اند و با آن در افتاده اند و باید قبول کرد که تا اینجا جلو آمده اند. اکنون نیز صف انقلاب حرف و خواست چندان روشنی را جلو نگذاشته است اما اعلام میکند که هم طبعاً از نیروهای رژیم سابق و هم از جریانات اسلامی و قوانین اسلامی رویگردان و متنفر است. این را هرروز از زبان جوانان انقلابی میشنوم.

در صفوفی میلیونی يك جنبش مدرن و سکولار را نمایندگی میکنند و با حق بجایی جدی ای جلوی جنبش اسلامی ایستاده اند. جنبش زنان در هردو کشورهای مصر و تونس قدرتمند است. و بسیاری از عوامل دیگر را نیز میتوان بر شمرد که این ارزیابی را قوت میبخشد که در میان مدت جامعه از جریان اسلامی عبور خواهد کرد. "انترناسیونال شماره ۴۲۴، "پیروزی اسلامی ها در منطقه گذراست" از کاظم نیکخواه*

انقلاب کرده است توقعات بالایی دارد. و نیرویی که بخواهد این توقعات را عقب براند، باید مجوزش را یا از انقلاب بگیرد یا قدرت ضد انقلابی بسیار عظیمی داشته باشد. جریانات اسلامی در مصر و تونس علیرغم حمایتهایی که بورژوازی بین المللی از آنها میکند و خواهد کرد هیچکدام از این دو را فی الحال ندارند. کارگران در مصر تا کنون دست به اعتصابات متعددی زده اند و بر حق تشکل و افزایش دستمزدها و برخی حقوق پایه ای دیگر خود تاکید کرده اند. جوانان

جهت شاهد بود. اما قضاوت در مورد جزئیات آن به اطلاعات بیشتر نیاز دارد. علیرغم این مشکلات، ما هنوز بر همان تاکید داریم که از جمله در ماه اکتبر سال گذشته بعد از پیروزیهای انتخاباتی جریانات اسلامی در این نشریه تاکید کردیم و طی این مدت صحت آن خود را نشان داده است و در آینده نیز گرچه نه صد در صد اما تا حد زیادی میتوان امیدوار بود که وضعیت در این جهت به پیش رود. و آن اینکه "میتوان گفت که جلو آمدن جریانات اسلامی در تونس و احیاناً در مصر بهیچ وجه پایان ماجرا نیست... سیر اوضاع به نقش و فعالیت دو طرف جدال یعنی صف انقلاب و ضد انقلاب بستگی دارد. اما تحلیل میتوان گفت که در يك جامعه ای که با انتظارات بالایی دست به انقلاب زده است، اسلامی ها شانس زیادی برای کنترل درازمدت اوضاع را ندارند. جامعه ای که

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی
دستیار سر دبیر: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!